

نشانی برای دریافت و انتشار
ایمیل های شما
Info_sabz1388@yahoo.de
تیراژ این شماره: ۴۲۵۰۰۰

۷۸
۱۳۸۸ دی ۱۵

اولین روزنامه اینترنتی
سبز
GREEN
NEWS PAPER

سه نگاه
روزبه میر ابراهیمی- فریدون زرننگار-
مجید محمدی
صفحه: ۵

حداقل خواست های جنبش سبز ایران

- استعفای احمدی نژاد، خروج نیروهای نظامی - امنیتی از سیاست، اقتصاد و فرهنگ
- آزادی زندانیان سیاسی، محاکمه عاملان کشتار و شکنجه
- آزادی انتخابات، احزاب، اجتماعات، نهادهای مدنی
- آزادی کلیه رسانه ها، انتخابی کردن روسای رسانه ملی
- استقلال قوه قضائی هاز طریق انتخابی کردن رئیس این قوه



۵	بیانیه عقب نشینی بود؟ روزبه میر ابراهیمی
۵	باز کردن راه گفتوگو فریدون زرننگار
۶	بارقه های جمهوریت مجید محمدی

افروختن شمع در ۳۱ شهر جهان



ناشر



موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری
هوشنگ اسدی / فریبرز بقانی
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:
شهرلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه
هزار و سیصد و هشتاد و هشت



حداقل خواست های جنبش سبز ایران

بیانیه شماره ۱۷ میرحسین موسوی، حداقل خواست های جنبش سبز ایران در این مرحله را در برداشت.

۵ فعال سیاسی اجتماعی هم که عنوان " پنج روشنفکر دینی " را برگزیده اند، ۱۰ خواست را با عنوان " خواسته های بهینه جنبش سبز " منتشر کردند.

مجموعه این خواست ها را می توان در ۵ مورد زیر خلاصه و جمع بندی کرد:

- ۱- استعفای احمدی نژاد. خروج نیروهای نظامی- امنیتی از سیاست، اقتصاد و فرهنگ
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی ، محاکمه عاملان کشتار و شکنجه
- ۳- آزادی انتخابات ، احزاب ، اجتماعات ، نهادهای مدنی
- ۴- آزادی کلیه رسانه ها، انتخابی کردن روسای رسانه ملی
- ۵- استقلال قوه قضائی از طریق انتخابی کردن رئیس این قوه



۵ روشنفکر دینی :

خواسته‌های بهینه جنبش سبز

شش ماه پیش میلیون‌ها نفر از مردم ایران به خیابان‌ها آمدند تا حق پایمال شده خود در انتخابات خیانت‌آلود را مطالبه کنند و به تحقیر و توهین مستمر ملت توسط حکومت اعتراض نمایند. دستگاه‌های امنیتی و نظامی به این مطالبات آرام و مسالمت‌آمیز، با خشونت و قساوت پاسخ دادند و کوشیدند از حضور مردم در فضای عمومی جلوگیری کنند و جنبش سبز را مرتبط با کشور‌های بیگانه و سیاست دولت‌های غربی معرفی کنند.

تمامیت طلبان تصور می‌کردند با سرکوب خونین این قیام قانونی، می‌توان حرکت اعتراضی مردم را همچون گذشته متوقف کرد، اما به رغم همه محاسبات، آتش آگاهی افروخته‌تر و آهنگ اصلاحات رساتر شد و جنبش را روز به روز بالنده‌تر و بارورتر ساخت.

در گذشت قبیله‌پر آیت‌الله منتظری که در پنج دهه گذشته، به خصوص شش ماهه اخیر از حقوق اساسی ملت دفاعی جانانه کرده بود و اینک در حساس‌ترین شرایط آنان را ترک می‌کرد، چون "رهبر معنوی جنبش" درخشید و جان تازه‌ای به جنبش بخشید و ظلم‌هایی که بر او رفته بود زبانه‌های خشم ملت را در آستانه ماه محرم، ماه حق‌طلبی و قیام علیه استبداد و ستم، بلندتر کرد. اعتراضات مردم، طبق سنت طولانی تاریخ در فرهنگ تشیع، در روز عاشورا به اوج خود رسید و ملت آگاه با درس گرفتن از پیام حسینی ظلم‌زمانه را نشانه گرفت.

استبداد دینی که مشروعیت خود را با خشونت و کشتار مردم در روز عاشورا پاک از دست داده بود، از ترفندی نخ‌نما شده برای تحریک احساسات دینی مردم استفاده کرد و به کمک صدا و سیما دولتی و بسیج همه نیروهای تحت فرمان کوشید صحنه قیام را وارونه کرده جنبش سبز را متهم به توهین به مقدسات و انکار اعتقادات دینی نماید و با آماج حمله قرار دادن رهبران و چهره‌های شاخص جنبش سبز و دستگیری احتمالی آنان، این حرکت را به گمان خود به کلی خاموش سازد.

پوشیده نیست که بخش‌های افراطی حاکمیت ایران به این دلیل به خونریزی و خشونت متوسل می‌شوند که خود را فاقد پایگاه وسیع اجتماعی و آینده امن می‌دانند. آنها می‌خواهند رویارویی نهایی و "روز واقعه" را تسریع کنند تا هم نیروهای مردم درون حاکمیت را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند، هم نیروی عظیم مردمی و خواستاران دموکراسی و حقوق مدنی و سیاسی را به شورشیانی خشونت‌ورز تقلیل دهند. عملکرد این رژیم، اقشار بسیار متنوعی از جوانان، زنان، گروه‌های قومی و مذهبی، روشنفکران، روحانیون، دانشگاهیان، کارگران و فعالان سیاسی را به شدت آزرده کرده است. گفتن "توطئه دشمن" که ولی‌جائر در طول 20 سال گذشته ترویج و از طریق آن دشمن‌سازی و ایجاد تفرقه میان ملت می‌کند (مثل: مطبوعات پایگاه دشمن‌اند، روشنفکران مزدوران دشمن‌اند، جنبش سبز توطئه رنگی دشمنان برای براندازی است)، بخش عظیمی از ملت را به جبهه‌ی دشمن تبدیل کرده که سازمان‌های سرکوب باید تکلیف آنان را یکسره کنند.

کینه و نفرتی که در سی سال گذشته در سطوح

مختلف جامعه انباشته شده، بسیار عمیق و ریشه‌دار است. این نارضایتی ژرف توان تخریبی عظیمی دارد که در صورت فوران، موج گسترده‌ای از خشونت را در سطوح مختلف جامعه ایران دامن خواهد زد.

افراطیون حاکم بر دستگاه‌های سرکوب، تعلق خاطری به ایران ندارند و نگران ریخته شدن خون هزاران ایرانی هم نیستند. آن‌ها به اقلیت بسیار محدودی از جامعه‌ی ایران اتکا دارند و تنها ضامن بقای شان اسلحه، شکنجه و ارعاب مردم است. تخصص آن‌ها خشونت است و خشونت را به مهمترین ابزار نزاع‌های سیاسی تبدیل کرده‌اند. خشم و خشونت که امروز شاهد آنیم، اگر به زبان اصلی سیاست در ایران تبدیل شود، عقابیت و دموکراسی و تحقق آزادی‌های مدنی و سیاسی را به حاشیه خواهد راند. زمامداران خودکامه البته کوشش میکنند خشونت را به تظاهرات مسالمت‌آمیز و پرشکوه میلیون‌ها ایرانی آذیخواه تزریق کنند تا چهره دموکراتیک جنبش مخدوش شود، ولی ملت نباید فریب خورده و وارد بازی سازمان‌های نظامی امنیتی شود.

جنبش سبز ایران در لحظه‌ی حساس کنونی به طرح مطالبات مشخص و مقدور، طولانی کردن فرآیند اعتراض و جلب مشارکت گسترده اقشار متنوع جامعه در تعیین سرنوشت خود نیاز دارد.

این جنبش به عنوان جریانی که نگران آینده‌ی کشور و سرنوشت آن است، باید برتری اخلاقی خود را بر زورگویان و شکنجه‌گران، همان‌طور که تاکنون نشان داده، ادامه دهد. در این شرایط وظیفه‌ی مردم آگاه، جوانان فداکار و نیروهای سیاسی، ترسیم مسیر آینده‌ی جنبش و تدوین خواست‌های مشخص سیاسی است تا مدارا و مسالمت را جایگزین خشونت تحمیل شده از سوی سرکوبگران کند.

هموطنان گرمی،

جنبش سبز ایران مدافع تمامیت ارضی ایران، مخالف حمله‌ی نظامی به کشور، مخالف دخالت بیگانگان در تعیین سرنوشت مردم ایران و نگران تحریمهای اقتصادی زیانمند به حال ملت ایران است. این جنبش، مسالمت‌آمیز و ضد خشونت است. نزاع جنبش با اقتدارگرایان، نزاع بر سر رعایت حقوق بشر و گردن نهادن به خواست‌های دموکراتیک مردم، تحقق جامعه مدنی، مدارا دینی، به رسمیت شناختن تکثر و تنوع در فضای سیاسی کشور و بالاخره نفی ولایت جائر است.

ما به عنوان بخش کوچکی از جنبش سبز سراسری مردم ایران بر این باوریم که در مرحله‌ی کنونی مهمترین مطالبات جنبش را می‌توان به قرار زیر اعلام و بر مبنای آن تحریک آینده‌ی جنبش و مناسبات آن با حاکمیت را تنظیم کرد. بخشی از این خواسته‌ها را آقای میر حسین موسوی در بیانیه هفدهم خود آورده است که با توجه به تنگناهای سیاسی داخل کشور جنبه حد اقلی دارد. ما ضمن حمایت کامل از مواضع رهبران جنبش در داخل کشور (موسوی، کروبی و خاتمی) روایت خود را از خواسته‌های بهینه جنبش سبز مردم ایران در این مرحله به شرح ذیل اعلام می‌کنیم:

1- استعفای آقای محمود احمدی نژاد و برگزاری مجدد انتخابات ریاست جمهوری تحت نظارت نهادهای بی طرف، لغو نظارت استصوابی، تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات با شرکت نمایندگان مخالفان و معترضان به منظور تدوین ضوابط

برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه.

2- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی و بررسی شکایات موارد مربوط به آزار، شکنجه و کشتار معترضان در ماه‌های اخیر در دادگاه‌های علنی با حضور هیأت منصفه و برخورداری از وکیل غیر تمحیلی؛ و جبران خسارات وارده به قربانیان سرکوب‌های اخیر و خانواده‌ی آنان.

3- آزادی کلیه رسانه‌ها اعم از مطبوعات و رسانه‌های صوتی تصویری و مجازی، رفع سانسور و توقیف از کلیه نشریات توقیف شده، گسترش کانالهای تلویزیونی غیردولتی و ماهواره‌ای، رفع فیلترینگ از اینترنت، امکان دسترسی آسان به رسانه‌های فوق الذکر، تصفیه رادیو و تلویزیون از دروغ پردازان و تشنج آفرینان.

4- به رسمیت شناختن حق فعالیت قانونی احزاب سیاسی، جنبش دانشجویی و زنان، NGOها و نهادهای مدنی، اتحادیه‌های مستقل کارگران و کارمندان، و حق تجمعات اعتراضی مسالمت‌آمیز مطابق اصل 27 قانون اساسی.

5- استقلال دانشگاهها، سپردن امور دانشگاهها به شیوه دموکراتیک به دست دانشگاهیان، خروج نیروهای نظامی و شبه نظامی از دانشگاه‌ها و انحلال شورای غیرقانونی عالی انقلاب فرهنگی.

6- محاکمه عاجل شکنجه‌گران، قاتلان، آمران و عاملان جنایات گذشته بویژه چند ماه اخیر.

7- استقلال قوه قضائیه از طریق انتخابی کردن ریاست آن، انحلال دادگاههای ویژه غیرقانونی، تصفیه قوه قضائیه از قضات ناعادل و گوش بفرمان، برحذر داشتن مقامات قضائی از ایراد خطابه‌های سیاسی و اجرای منویات مقامات مافوق (دادگاههای فرمایشی) بجای اجرای بیطرفانه و عادلانه قانون.

8- خروج نیروهای نظامی انتظامی امنیتی از قلمرو سیاست و اقتصاد و فرهنگ، و اکتفا به وظایف حرفه‌ای.

9- رعایت استقلال اقتصادی و سیاسی حوزه‌های علمیه و دولتی نشدن روحانیت. استخدام نکردن تربیون نمازهای جمعه برای صدور احکام خلاف شرع و قانون (از قبیل محارب، مفسد فی الارض، مرتد و باغی).

10- انتخابی کردن، نقدپذیر و پاسخگو کردن همه متصدیان رده اول کشور و محدود کردن دوره تصدی آنان.

نپذیرفتن این خواسته‌های بهینه جنبش سبز، و افزودن سرکوب و ارعاب نه تنها ما را از بحران عبور نخواهد داد، بلکه ایران را در بحران عمیق‌تری فرو خواهد برد، و تبعات سهمگینی از پی خواهد آورد، که مسئولیتش با "صاحب ولایت مطلقه" است.

سیزدهم دی ماه 1388، سوم ژانویه 2010
عبدالعلی بازرگان، عبدالکریم سروش، اکبر گنجی، محسن کدیور، سید عطاءالله مهاجرانی



۵ خواست حداقلی بیانیه

میر حسین موسوی

۱- اعلام مسئولیت پذیری مستقیم دولت در مقابل ملت و مجلس و قوه قضائیه به نوعی که از دولت حمایت های غیرمعمول در مقابل کاستی ها و ضعف هایش نشود و دولت مستقیماً پاسخگوی مشکلاتی باشد که برای کشور ایجاد کرده است. به یقین اگر دولت کارآمد و محق باشد خواهد توانست جواب مردم و مجلس را بدهد و اگر بی کفایت و ناکارآمد بود مجلس و قوه قضائیه در چهارچوب قانون اساسی با او برخورد خواهند کرد.

۲- تدوین قانون شفاف و اعتماد برانگیز برای انتخاباتها به نوعی که اعتماد ملت را به یک رقابت آزاد و منصفانه و بدون خدعه و دخالت قانع سازد. این قانون باید شرکت همه ملت را علیرغم تفاوت در آراء و اندیشه ها تضمین کند و جلوی دخالت های سلیقه ای و جناحی دست اندرکاران نظام را در همه سطوح منتفی سازد. مجالس اولیه انقلاب می تواند به عنوان الگویی مورد توجه قرار گیرند.

۳- آزادی زندانیان سیاسی و احیاء حیثیت و آبروی آنها. بنده یقین دارم که این اقدام نه به ضعف که به درایت نظام تعبیر خواهد گشت. و نیز آگاهی که جریانهای سیاسی منحطی با این راه حل مخالف هستند.

۴- آزادی مطبوعات و رسانه ها و اجازه نشر مجدد روزنامه های توقیف شده جزء ضروریات روند بهبود است. ترس از آزادی مطبوعات باید از بین برود و تجربیات جهانی در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد. گسترش کانال های ماهواره ای و اهمیت یافتن آنها و تاثیرگذاری قاطع این رسانه که بخوبی ناکافی بودن روش های قدیمی و محدودیت صدا و سیما را می رساند. پارازیت ها و محدودیت های اینترنتی می تواند برای مدت کوتاهی اثرگذار باشد. تنها راه چاره داشتن رسانه های متنوع و آگاه و آزاد در داخل کشور است. آیا زمان آن نرسیده است که با اقدامی شجاعانه و ناشی از اعتماد به متفکران و نیروهای خلاق جامعه، نگاهها را از آنسوی مرزها به شکوفایی خلاقیت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی داخلی برگردانیم؟

۵- برسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی و تشکیل احزاب و تشکل ها و پایبندی به اصل 27 قانون اساسی.



اتحاد برای ایران برگزار کرد افروختن شمع در ۳۱ شهر جهان

اتحاد برای ایران - آلمان در شروع سال نو میلادی همزمان در ۳۱ شهر در سراسر جهان یاد و خاطره جانبازان روز عاشورا را که در مصاف با کودتا چیان جان باخته اند راگرمی داشت.

روز یکشنبه سوم ژانویه - 13 دی ماه 1388- ایرانیان در برنامی تحت عنوان "یک شمع برای قهرمانان راه آزادی در ایران" در شهرهای زیر گردآمدند:

برلین، بن، برمن، دوسلدورف، فرانکفورت، هامبورگ، هایدلبرگ

کالسر و هه، کلن، ماینز، مانهایم، مونیخ، اشتوتگارت آلبرگ، آستین، آکلاند، استکهلم، اورلاندو، بروکسل، فلورنس، کریست چرچ، کپنهاگ، هوستن، لندن، لوس آنجلس، مالمو، پاریس، نیویورک، فونیکس، توکسون، وانکوور، واشنگتن.

ایرانیان دست در دست در "نور و سکوت" به "بخون خفتگان راه آزادی ایران" ادای احترام کردند.

برای اطلاعات بیشتر می توانید به این سایت مراجعه نمائید: www.united4iran.de



شرکت حامیان مادران عزادار ایران در تظاهرات برای آزادی بازداشت شدگان

در مقابل سی ان ان

هموطن گرمی

در اعتراض به سیل بازداشت های اخیر در ایران که صدها آزادیخواه و فعال حقوق بشر در شرایطی بسیار نگران کننده به حبس کشیده شده اند جمعی از ایرانیان مقیم لوس آنجلس بر آنند تا روز پنجشنبه هفتم ژانویه در مقابل خبرگزاری سی ان ان تظاهراتی بر پا کرده فریاد حق طلبی مردم ایران را به گوش جهانیان برسانند

به این وسیله به اطلاع دوستان میرساندحامیان مادران عزادار ایران در لوس آنجلس نیز بر آنند تا با شرکت فعال خود در این تظاهرات خصوصاً

اعتراض خود را به بازداشت جمعی از مادران صلح و عزا به نمایش بگذارند، زنان و مادرانی که تنها

جرمشان عدالت خواهی به دور از هر گونه اعمال خشونت بوده است از جمله منصوره شجاعی،

شیوانظر آهاری، زهره تنکابنی، آذر منصوری،

بهاره هدایت، نوشین عبادی، نسرین وزیر، سمیه رشیدی، مریم ضیاء، لیلیا توسلی، آتیه یوسفی، مهین

فهمی، عاطفه نبوی، شبنم مددزاده، مهدیه گلرو، بدرالسادات مفیدی جمعی از این زنان آزاده اند که در

بند به سر می برند

بباید تا با پیوستن به این حرکت اعتراضی توجه جهانیان را هر چه بیشتر به جنایاتی که علیه مردم

آزادیخواه در مملکتمان صورت می گیرد جلب کنیم

و خواهان آزادی هر چه سریع تر و بدون قید و شرط این بازداشت شدگان سایر زندانیان سیاسی شویم

پنجشنبه هفتم ژانویه ساعت 5-7

مقابل خبرگزاری

CNN

West Sunset Boulevard 6430

Los Angeles, CA 90028-7906

(323) 993-5000



بیانیه عقب نشینی بود؟ روزبه میرابراهیمی

در میان همه برداشت ها دو محور پر رنگ ترین محورها بود. برخی این بیانیه را نشانه «خستگی» موسوی دانستند و بعضی نیز از آن به عنوان یک «عقب نشینی» یاد کردند. اما آیا این بیانیه یک «عقب نشینی» بود؟

چند روز پس از حوادث خون بار روز عاشورا که جنبش سبز عزادار از «سفر مرجع عالیقدرش» را به عزای عزیزان دیگری نشانند میرحسین موسوی هفدهمین بیانیه خود را صادر کرد.

این بیانیه نیز به مانند همه بیانیه های دیگر وی حاوی مطالب مهم و قابل توجه و راهبرانه ای است. اما بخش هایی از این بیانیه برداشت هایی را در پی داشته که باید به آنها پرداخته شود.

در میان همه برداشت ها دو محور پر رنگ ترین محورها بود. برخی این بیانیه را نشانه «خستگی» موسوی دانستند و بعضی نیز از آن به عنوان یک «عقب نشینی» یاد کردند. اما آیا این بیانیه یک «عقب نشینی» بود؟

به زعم نگارنده پاسخ منفی است. اما این پاسخ بر چه اساسی است؟

سیاست دنیای «واقعیت» هاست و هر که در دنیای سیاست قدم در راه «توهم» و یا «پوتوپیا» بگذارد محکوم به ناکامی است. البته این بدان معنا نیست که بی «آرمان» باید بود و «چشم انداز» نداشت.

از سوی دیگر «سازش» قلب «دموکراسی» است و اگر بخواهیم این موضوع را از دموکراسی ها جدا کنیم «جنگ» همیشگی را برگزیده ایم.

اما با همین معنی نیز معتقد نیستم بیانیه میرحسین موسوی بوی «سازش» می داد بلکه تاکید بر مقوله هایی به عنوان مسیرهای عبور از بحران کنونی بود که ریشه ای ترین پایه های «دموکراسی خواهی»

برای تحقق حق حاکمیت ملت بر سرنواشت خویش است.

با این نگرش بیابیم بدور از احساسات بخش هایی از بیانیه اخیر میرحسین موسوی را مرور کنیم.

وی در جایی از بیانیه خود می نویسد: «ما یک دولت و نظام صادق و رثوف و با شفتت و مبتنی بر آراء مردم می خواهیم که به تنوع آراء و عقاید مردم نه به شکل تهدید که بلکه بصورت یک فرصت نگاه کند.»

نکته ای که در حال حاضر «جمهوری اسلامی موجود» فاقد آن است و بعید می داند گستره بزرگی از نیروهای سیاسی مخالف وضع موجود با این نظر همراه نباشند.

پس تکلیف نظر موسوی با «دولت» و «نظام کنونی» مشخص است اما بند اول راهکارهای پیشنهادی وی بود که سبب برداشت های دیگری شده است.

بگونه ای که برخی از اصولگرایان - مانند محسن رضایی - از آن به عنوان «عقب نشینی» یاد کردند. میرحسین در بند اول پیشنهادهایش نوشته است:

«اعلام مسئولیت پذیری مستقیم دولت در مقابل ملت و مجلس و قوه قضائیه به نوعی که از دولت حمایت های غیرمعمول در مقابل کاستی ها و ضعف هایش نشود و دولت مستقیماً پاسخگوی مشکلاتی باشد که برای کشور ایجاد کرده است. به یقین اگر دولت

کارآمد و محق باشد خواهد توانست جواب مردم و مجلس را بدهد و اگر بی کفایت و ناکارآمد بود مجلس و قوه قضائیه در چهارچوب قانون اساسی با او برخورد خواهند کرد.»

کجای این بند «عقب نشینی» است؟ این بند عیناً یک خواست دموکراتیک است که یکی از اهداف مهم اصلاح طلبانه و در هر مدلی از دموکراسی نیز اصلی اساسی است.

میرحسین موسوی خواهان مسوولیت پذیری «مستقیم» دولت در مقابل ملت و مجلس و قوه قضائیه شده است. این نکته در مقابل نظری است که دولت را در مقابل مجلس فرمایشی کنونی و «رهبری»

پاسخگو می داند و خود رهبری هم فقط به «خدا» پاسخگوست که تازه برخی مواقع هم پا جای خدا می گذارد (مانند نامه تسلیت آقای خامنه ای پس از فوت آیت الله منتظری).

تاکید میرحسین موسوی در این بند را باید فراتر از دولت کنونی دانست. او به بهانه دولت کنونی بر یک اصل اساسی که حق حاکمیت مردم است دست گذاشته است.

تازه حتی اگر به دولت کنونی به عنوان یک واقعیت موجود هم بسنده شود وی در این بند عملاً می گوید دولت کنونی دولت منتصب رهبری است و حمایت های «غیرمعمول» آقای خامنه ای در مقابل «کاستی ها و ضعف» های این دولت مانع از برخورد قانونی «مجلس و قوه قضائیه» با دولتی است که میرحسین

موسوی در همین بیانیه تلویحاً «بی کفایت و ناکارآمد» ش خوانده است.

پس استنباط «عقب نشینی» از این بند چندان واقعی نیست و حتی اگر از نظر امثال محسن رضایی «عقب نشینی» و فرصتی برای «سازش» باشد هم عیب نیست. زیرا «سازش» اگر برای احقاق حق مدنی ملت باشد ارزش محسوب می شود.

مشی و روش و منش و محتوای مواضع میرحسین موسوی به هیچ عنوان حکایت از «سازش» بر ضد منافع مردم ندارد بلکه وی تلاش دارد حداکثر مطالبات را در چارچوب واقعیت های موجود در شالکه مجادله با سیستم موجود با حداقل هزینه ها بدست آورد.

لژوما تحقق راهکارهای پیشنهادی میرحسین موسوی در بیانیه شماره ۱۷ به ثمر رسیدن همه مطالبات موجود در جامعه نیست اما حرکت در مسیر تکامل تحقق مطالبات تاریخی ملت ایران است.

بندهای دیگر راهکارهای پنجگانه وی نیز پایه های اساسی این حرکت هست. اگر در بند اول «دولت» مسوول در مقابل ملت و نهادهای منبعث از ملت را مطالبه می کند در بند دوم بر مطالبه انتخابات آزادی که اعتماد ملت را به همراه داشته باشد انگشت می

گذارد.

اگر در بند سوم آزادی تمامی زندانیان سیاسی را می خواهد در بند چهارم بیانیه اش آزادی بیان و رسانه ها و ماهواره ها را مطالبه می کند که پایه ای ترین پله تحکیم دموکراسی است.

و اگر در بند آخر پیشنهادهایش آزادی احزاب و اجتماعات را مطالبه ملت می نامد باز هم پا را از مسیر حرکت دموکراسی خواهانه مردم ایران بیرون نینهداده است.

بالا رفتن مطالبات سیاسی مردم معترض در اعتراضات چند ماه گذشته و ابعیتی انکار ناپذیر است که امثال موسوی و کربوبی و خاتمی از آن آگاهند. اما

در یک حرکت تدریجی برای پیشبرد اصلاحات اساسی و ریشه دار و با کمترین هزینه، پافشاری منتج به نتیجه بر خواست های پایه ای، در مسیر تحقق خواست های واقعی موجود، هنری است که نخبگان سیاسی و اجتماعی باید به آن اهتمام ورزند. آنچه در بیانیه ۱۷ موسوی پیش روی حاکمان کنونی جمهوری اسلامی گذاشته شده است فرصتی مغتنم برای آنانی است که نمی خواهند خانه را بر سر خود ویران شده ببینند.

هر چند باور دارم این بار نیز حکومت ساز «ناساز» پیشین خود را خواهد نواخت.

باز کردن راه گفت و گو فریدون زرنگار

میرحسین موسوی در تازمترین بیانیه خود (بیانیه شماره ۱۷)، پنج راه حل را برای خروج از بحران پیشنهاد کرده و نخست به مقام های جمهوری اسلامی توصیه کرده است وجود «بحران جدی» در کشور را به رسمیت بشناسند، چون در غیر این صورت «راهی برای خروج از مشکلات و مسائل پیدا نخواهد شد.»

میرحسین موسوی این پنج راهکار را «اعلام مسوولیت پذیری مستقیم دولت در مقابل ملت و مجلس و قوه قضائیه»، «تدوین قانون شفاف و اعتماد

برانگیز برای انتخابات ها»، «آزادی زندانیان سیاسی و احیاء حیثیت و آبروی آنها»، «آزادی مطبوعات و رسانه ها و اجازه نشر مجدد روزنامه های توقیف شده»، «به رسمیت شناختن حقوق مردم برای

اجتماعات قانونی و تشکیل احزاب»، «بیان کرده است. پس از صدور بیانیه تازه، نخست وزیر سابق ایران و رقیب انتخاباتی محمود احمدی نژاد با مهدی کربوبی دیگر اصلاح طلبی که در انتخابات شرکت کرد، دیدار

کرد.

جزئیات گفت و گوهای این دو تن هنوز منتشر نشده است.

مهدی خان بابا تهرانی، فعال سیاسی مقیم آلمان در مورد تازمترین بیانیه میرحسین موسوی به رادیو فردا می گوید: به نظر من اهمیت بیانیه شماره ۱۷ آقای موسوی این است که ایشان با توجه کامل به

شرایط بحرانی و شکننده کشور، چنان طرح مسئله کرده که بتوان از یک سو این وخامت اوضاع را کاهش داد و از سوی دیگر طرفین مذاکره را متوجه کرد که بدون اذعان به وجود یک بحران جدی در کشور و عدم شناخت این واقعیت، راه حلی برای خروج از مشکلات پیدا نخواهد شد. در واقع آقای موسوی راه را دوباره برای گفت و گوی سیاسی باز کرده است.

آقای موسوی در این بیانیه از انتخابات ریاست جمهوری که باعث تمام این اعتراضات شده صحبتی نمی کند و این مسئله باعث تفسیر آقای محسن رضایی شده مبنی بر این که آقای موسوی از انکار دولت صرف نظر کرده است. نظر شما چیست؟

آقای موسوی در این بیانیه به روشنی مواردی را مطرح می کند از جمله مسوولیت پذیری مستقیم دولت در مقابل ملت، مجلس و قوه قضائیه به نوعی که از دولت در مقابل کاستی ها و ضعف هایش حمایت های غیر معقول نشود و این که دولت مستقیماً پاسخگوی

مشکلاتی باشد که برای کشور ایجاد کرده است. آقایان از روز اول هم همین موضع را داشتند، اما ولی فقیه با دخالت‌های غیر خردمندانانه خود و با دفاع از دولت آقای احمدی نژاد مسئله را به وخامت کنونی کشانده است.

به نظر من آقای موسوی از موضع خود صرف نظر نکرده، هر چند برخی‌ها تصور می‌کنند این بیانیه چشم پوشی از پافشاری روی تجدید انتخابات ریاست جمهوری است یا عدم اعلام ابطال انتخابات قبلی یک نوع سازش است، اما من باور ندارم این چشم پوشی از ابطال انتخابات ریاست جمهوری سازش است.

به نظر شما آقای موسوی با این پنج موردی که در بیانیه خود به عنوان راه حل مطرح کرده، چه هدفی را دنبال می‌کند؟

موسوی در شرایط کنونی خردمندی نشان داده و توانسته با طرح مسئله در شرایط کنونی، نیروهای بیشتری را به دنبال سیاست خود بکشد تا به سوی حل مسایل و مشکلات جامعه حرکت کنند.

پنج پیشنهاد آقای موسوی برای حل بحران کنونی با نگاهی خردمندانانه به وضعیت ملت‌های سیاسی جامعه ایران مطرح شده است. او در پیشنهاد خود به روشنی طرح نظر کرده و این مسئله می‌تواند به حل بحران جامعه کمک کند.

من معتقدم راهی که تا کنون برخی از نهادهای حکومتی به ویژه از طرف ولی فقیه دنبال کرده اند، طرح مسئله نبوده بلکه سرکوب مسایل و نادیده گرفتن آنها بوده است.

آقای موسوی در طرحی که ارائه داده می‌گوید ما در شرایط کنونی یک دولت مسئول در برابر مجلس و قانون می‌خواهیم، دولتی که در برابر مردم و ارگان‌های مردمی جوابگو باشد. پنج پیشنهاد او پیشنهاداتی است که باید نیروهای متعهد جامعه برای حفظ تمامیت ایران و همبستگی ملی به دنبال آن بروند و با نیروهای دیگر در این زمینه مشارکت کنند.

بارقه‌های جمهوریت

مجید محمدی

انقلاب سال ۱۳۵۷، سلطنت را که در فرهنگ سیاسی ایرانی یک فرض مسلم و فقدان آن برای بسیاری از نیروهای روحانی و غیر روحانی غیر قابل تصور انگاشته می‌شد به زیر کشید. اما روشنفکران و فعالان سیاسی سکولار (اعم از مذهبی و غیر مذهبی) نتوانسته بودند مبنای جمهوریت را به عنوان آلترناتیوی جدی برای سلطنت عرضه کنند و با مشروطه‌ی اجرا نائیده کلنجار می‌رفتند. نیروهای مارکسیست نیز به دنبال دیکتاتوری پرولتاریا بودند. نیروهای سیاسی همچنین از شکل دادن به جامعه‌ی سیاسی و مدنی متناظر با ساختار سیاسی جمهورهای ناتوان بودند.

اما روحانیت، هم شبکه‌ی اجتماعی مستقل خود را برای به دست گرفتن قدرت پس از سقوط سلطنت در دوران پهلوی به تدریج ساخته و در اختیار داشت و هم آیت‌الله خمینی با نفی شرعی حکومت جائز و ارائه نظریه‌ی ولایت فقیه، زائد بودن سلطنت را برای اقتدار سنتی مذهبی توجیه شرعی کرده بود. بدین ترتیب نظام ولایت فقیه یا همان جمهوری

اسلامی بر ویرانه‌های سلطنت بنیاد گذاشته شد. جمهوری اسلامی هیچ گاه جمهوری نبود، چون حاکمیت مردم را به ولایت یا نظارت فقیه قید می‌زد و امتیازات خاصی را برای قشر روحانی و وفاداران به آن مفروض می‌گرفت. اساس جمهوری اسلامی بر تبعیض میان فقیه و غیر فقیه، زن و مرد، شیعه و سنی، مکتبی و غیر مکتبی، و مسلمان و غیر مسلمان بود. اما سیر تحول تاریخ سیاسی ایران به گونه‌ای بود که جمهوری اسلامی را واسطه‌ای ناگزیر برای عبور یک جامعه‌ی مذهبی و سنتی از سلطنت به جمهوریت قرار می‌داد. بدون جمهوری اسلامی، حد و مرز دولت، نقش ایدئولوژی در اداره‌ی جامعه، کارکرد نهادهای دینی و حقوق شهروندان در عرصه‌ی عمومی به بحث گذاشته نمی‌شد و مردم ایران با گوشت و پوست و خون عوارض بی‌توجهی به این امور را احساس نمی‌کردند.

مامای نا خود آگاه

آیت‌الله خمینی با نظریه‌ی ولایت فقیه روحانیت و باورمندان سنتی را از مفروض گرفتن سلطنت نجات داد، اما آنها را در دام مفروض گرفتن ولایت فقیه انداخت. اما علی رغم بی‌اطلاعی روشنفکران، فعالان سیاسی و نیز روحانیت از این نظریه و عواقب آن در سال‌های ابتدایی عمر جمهوری اسلامی، بخت با این نظریه یار نبود، از سه جهت: (۱) این نظریه در دورانی مطرح شد که دمکراسی گفتمان غالب جهانی است و روحانیت می‌خواهد به کسب و کار با این جهان بپردازد که اگر نمی‌خواست باید مثل کره شمالی به دور کشور دیوار انزوا می‌کشید؛

(۲) سه دهه فرصتی کافی برای عادت دادن هم‌همی مردم در همه‌ی عرصه‌های فرهنگی به این نوع نگاه به عالم نبود و دستگاه تبلیغاتی و ایدئولوژیک نظام ظرفیت این شستشوی مغزی را در این مدت کوتاه نداشت و اگر ظرفیتی داشت از کف داد؛ و

(۳) ولی فقیه دوم به دلیل ضعف‌های شخصیتی و بینشی، مالیخولیای بیگانه تریس، و عدم مشروعیت فرهمندانانه و سنتی و قانونی بهترین گزینه برای به گل نشستن نظریه‌ی ولایت فقیه بود.

آیت‌الله خمینی با تسهیل نظری سقوط سلطنت و طرح نظریه‌ی نا به هنگام برای جایگزینی آن به یک معنا بدون آن که خود بداند و آگاه باشد به صورت مامای ابتدایی جمهوریت برای اقتدار سنتی و روحانیت عمل کرد، در حالی که خود یکی از بزرگترین موانع را در برابر آن شکل داد. اگر جنبش سبز به سقوط رژیم ولایت فقیه منتهی شود، پروژه جمهوریت را که در انقلاب سال ۵۷ سقط شد به جایی خواهد رساند. بحران‌های اقتدار، نفوذ و کارآمدی رژیم و قساوت بی‌نظیر دستگاه‌های نظامی و امنیتی، روحانیت شیعه را وادار خواهد کرد که از این برآمدگی و سرعت گیر تاریخی در تاریخ سیاسی معاصر ایران بگذرند و وارد اوایل عصر جمهوریت شوند.

حکومت پلیسی

آیت‌الله خامنه‌ای در دورانی به ایده‌ی حکومت تمامیت طلب و پلیسی و اتکار بدسته جات فاشیست لباس شخصی روی آورد، که ماهواره و اینترنت و ارتباطات تلفن موبایل عرصه‌ی پنهانی برای حکومت

باقی نمی‌گذارد و اقتدار دانشگاهی و تکنوکرات در کنار نیروهای چپ مذهبی مشروعیت وی را از آغاز منکر بودند. همچنین سیستم گزینش ایدئولوژیک و مجوزدهی حکومت برای انواع مشاغل و فعالیت‌ها با سد برابری خواهی جامعه‌ی شهری و تحصیل کرده روبه‌رو شد و دستگاه‌های دولتی از جذب جمعیت انبوه کشور ناتوان بودند.

آیت‌الله خامنه‌ای بسیج و سپاه را به تمامه به مظهر پاسداری از امتیازات و قدرت حکومت مطلقه‌ی فقیه و سرکوب و لمپنیسم تبدیل کرد و نیروهای اجتماعی همه‌ی مظاهر حکومت ولایت فقیه را به عینه در بسیج و فرماندهان سپاه که هر روزه در کار دخالت در زندگی خصوصی و عمومی آنان بود مشاهده کردند. نگاهی به شعارهایی که پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری علیه بسیج در خیابان‌ها داده شده این مظهریت را نمودار می‌سازد. حکومت ولایت فقیه پس از سه دهه به حکومت یک تشکیلات مخوف و قدره کش در کشور تقلیل یافت.

متهم کردن معترضان به عبارات اتهام آمیزی مثل توهین به مقدسات یا ساختار شکنی تنها با این فرض صورت می‌گیرد که مردم ایران ولایت فقیه را مفروض می‌گیرند در حالی که این فرض همانند دیگر مفروضات رژیم تهم آمیز است. وقتی نهاد حدوداً سه هزار ساله‌ی سلطنت به خاطر رفتار غیر عقلانی و نا کارآمدی حکومت پهلوی در حوزه‌ی سیاست فرو می‌پاشد، نهاد سه دهه‌ای ولایت فقیه نمی‌تواند در برابر مطالبات دمکراتیک و شهروندی مردم ایستادگی کند و فرو نریزد.

بدین ترتیب هم زمینه‌های فکری و واقعی بسط و رشد جامعه‌ی مدنی و تکفل امور توسط این نهادها فراهم شد و هم همه‌ی بنیادهای نظری جمهوریت یعنی اندیشه‌ی جدایی نهادهای دینی از نهادهای دولتی، رفع همه‌ی تبعیض‌های ایدئولوژیک، دینی و جنسی، بی‌طرفی ایدئولوژیک حکومت، حکومت قانون، حقوق اقلیت‌ها، حقوق بشر، و آزادی رسانه‌ها در جامعه بسط یافت. رفتارهای رژیم باعث شد که شهروندان نیاز به این امور را با گوشت و پوست و خون خود احساس کنند.

گذار به عصر جمهوریت

همان طور که جامعه‌ی ایران در سال ۵۷ آماده‌ی به فراموشی سپردن نهاد سلطنت بود و نمایش‌های دولتی حمایت از رژیم نتوانست از فروپاشی آن جلوگیری کند (رژیم پهلوی نیز پس از هر تظاهرات مخالفان یا کشتن عده‌ای از آنها، تظاهرات «مردمی» بر پا می‌کرد)، امروز این جامعه آماده است حکومت دینی و ولایت فقیه را پشت سر بگذارد و دیگر از بی‌قید و شرط بودن دمکراسی و جمهوری (حاکمیت مردم بدون آقا بالاسر) هراسی ندارد. تنها اقلیت کوچکی از نیروهای نظامی و لات‌های سازمان یافته‌ی محلات و طلبه‌های روستایی صرف و نحو خوانده‌اند که هنوز ممکن است فکر کنند اگر ولی فقیه نباشد آسمان به زمین می‌آید، به همان ترتیب که در سال ۵۷ تنها پیرمردهای روستایی می‌پرسیدند که «مگر می‌شود کشور بدون شاه باشد.»



<http://unblockedbebo.info/>
<http://x105f.info/>
<http://eproxy.site/info/>
<http://85unlocknow.info/>
<http://ipmagick.info/>
<http://schoolproxywebsites.cn/>
<http://eproxy.site/info/>
<http://admitfirst.info/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://www.beginquick.info/>
<http://unblockedbebo.info/>
<http://02012.info/>
<http://02013.info/>
<http://02014.info/>
<http://bestschoolproxy.cn/>
<http://enewproxy.info/>
<http://blockedfacebookproxy.cn/>
<http://google12.net/>
<http://www.dartall.info/>
<http://vistaproxy.uni.cc/>
<http://blockedfacebookproxy.cn/>
<http://ta1055.info/>
<http://pinkdot.info/>
<http://lemonbox.info/>
<http://proxify.tv/>
<http://proxycros.co.cc/>
<http://newfacebookproxy.cn/>
<https://fl.mikatammi.com/pn/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://bypassbluecoat.info/>
<http://bypasscheat.info/>
<http://bypassfool.info/>
<http://bluecoatproxy.info/>
<http://www.dailyfind.info/>
<http://proxyanonym.com/>
<http://www.guessed.info/>
<http://cashcontest.info/>
<http://bypassinternet.info/>
<http://anonymousinternetsurfing.info/>

<http://66.90.77.3/~pro/>
<http://www.mapopen.com/p/>
<http://www.fluxa.info/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://internetcloak.com/>
<http://www.hashseek.net/>
<http://zankaweb.info/bblocked/>
<http://79.170.40.54/t5f.co.uk/downloads/>
<http://79.170.40.34/dymoon.co.uk/downloads/>
<http://79.170.40.230/flummixdemo.co.uk/downloads/>
<http://79.170.40.49/onlyinternet.co.uk/downloads/>
<http://79.170.40.49/hoolaloops.com/downloadsl/>
<http://fallcan.info/>
<http://www.xp6.info/>
<http://proxy.diekhoff.eu/>
<http://wap.igma.tv/anoadult.com/cgi-bin/nph-get.cgi>
<http://www.perlproxy.com/>
<http://www.carlomozetic.net/cgi-bin/nph-proxy.pl>
<http://wap.zed.com.ph.gowingo.com/cgi-bin/nph-get.cgi>
<http://www.nivol.net/>
<http://anonymousaccess.info/>
<http://cultlegend.com/>
<http://hidemyself.co.tv/>
<http://www.firstip.info/>
<http://www.please-just-come-here.info/>
<http://secondip.info/>
<http://anonymousschoolproxy.cn/>
<http://unblockeddigg.info/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://www.resellersvip.com/>
<http://blej.info/>
<http://www.unblock101.info/>
<http://www.cheesecamera.com/>
<http://www.easylinks.info/>
<http://www.resellersbasement.info/>

فیلتر شکن های جدید

<http://blue.xp6.info/>
<http://www.badkid.info/>
<http://forexmicro.info/>
<http://httpsanonymous.info/>
<http://www.fallnow.info/>
<http://admitsite.info/>
<http://easeforyou.info/>
<http://penguin-proxy.info/>
<http://unblockedtechnorati.info/>
<http://tuxproxy.info/>
<http://newwebproxy.cn/>
<http://www.xp6.info/>
<http://xopen21.info/>
<http://www.xp5.info/>
<http://phpproxywebproxy.cn/>
<http://www.firstip.info/>
<http://schoolproxysites.info/>
<http://2009.xp5.info/>
<http://itsmine.co.tv/>
<http://viewschoolproxy.cn/>
<http://www.vistaproxy.uni.cc/>
<http://www.masking.uni.cc/>
<http://www.badidea.info/>
<http://maktoobprox.co.cc/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://webproxyurl.cn/>
<http://gumtreeprox.co.cc/>
<http://pokerprox.co.cc/>
<http://playprox.co.cc/>
<http://beboprox.co.cc/>
<http://unblockproxyweb.cn/>
<http://server4surf.co.cc/>
<http://unblockedflickr.info/>
<http://forexarbitrage.info/>
<http://anonymouslist.info/>
<http://prettyteacher.co.tv/>
<http://www.helloteacher.info/>